

بررسی تطبیقی نگاره بزکوهی در سنگ نگاره های شرق و غرب ایران (مطالعه ی موردی: سربیشه و اورامان)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۲۷

حمیدرضا قربانی^۱

سارا صادقی^۲

چکیده

تصویر بزکوهی در هنر ایران، از دیرباز نقش بسیار مهمی داشته و نگاره های آن از دوره های پیش از تاریخ در نقوش غارها، سنگ های حجاری شده، ظروف سفالی و فلزی بسیار دیده شده است. این نقش بر روی برخی آثار باستانی، حامل ارزش ها و نشانه هایی است که بر اساس باورها و اعتقادات بشر کهن، در چارچوب این آثار نمود یافته اند. یکی از این آثار، سنگ نگاره ها هستند. لذا در تحقیق حاضر نگاره بزکوهی در سنگ نگاره های شرق (سنگ نگاره های سربیشه) و غرب ایران (سنگ نگاره های اورامان) انتخاب و به بررسی تطبیقی این نگاره در دو حوزه شرق و غرب ایران پرداخته شده است. روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی و تطبیقی است و جمع آوری اطلاعات از منابع کتابخانه ای و روش میدانی به بررسی نمادشناسی نگاره بزکوهی پیش رفته است. با بررسی تطبیقی نقوش انجام گرفته از منظر روش و فناوری نتایج زیر حاصل شد: به لحاظ روش و شیوه ی کار هر دو حوزه منتخب ما از نوع پتروگلیف (کنده کاری)، بوده است. نقوش براساس نوع موضوعات به چهار گروه تقسیم شده است که دربرگیرنده موضوعاتی هم چون نقش بزهای کوهی در چرا، نقش بزکوهی همراه با نقوش انسانی در شکارگاه، نقش بز همراه با نقوش نمادین و نقش بزهای کوهی همراه با حیوانات و نقوشی نامعلوم است. نتایج تحقیق نشان می دهد این نقش در هر دو حوزه فرهنگی طی قرن ها نمادی از نیروی زندگی، باروری و نگهبان درخت زندگی به شمار می آمد. در نهایت دلیل نقر نگاره بزکوهی در هر دو محوطه، دو دلیل مذهبی و غیرمذهبی دارد

ghorbani.hr@birjand.ac.ir
sara_sadeghi809@yahoo.com

۱. استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه بیرجند، نویسنده مسؤول
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان شناسی دانشگاه بیرجند

که ارتباط مستقیمی با زندگی، معاش، اقلیم، آداب و رسوم، باورهای گذشته و پیوستگی قوی میان نقوش صخره‌ای با مسیرهای کوچ نشینان دارد.

واژگان کلیدی: نگاره بزکوهی، سنگ نگاره‌ها، سربیشه، اورامان.

مقدمه

نگاره‌های سنگی قدیمی‌ترین کتاب اولیه بشر است که بر آن علائق، سلائیق و اعتقادات خود را ثبت نموده است. حدود ۲۵۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ نقش بر دل کوه‌ها و غارها حجاری شده است که به جرأت می‌توان گفت فراوان‌ترین نقش یافته شده در سنگ نگاره‌ها^۱ بزکوهی، بویژه بزکوهی نر، با شاخ‌های بزرگ و کشیده به سبک‌های گوناگون است که در غالب صحنه‌ها خودنمایی می‌کند (فرهادی، ۱۳۷۷: ۱۳۰). نقش بزکوهی به عنوان نمادی از ماه و باران بیش از حیوانات دیگر مانند گوسفند، اسب، گوزن و شیر برای مردمان گذشته ایران اهمیت داشته و فراوانی آن، نشانه اهمیت در زندگی و اعتقادات آن‌ها است. این نقش بر روی سنگ نگاره‌ها نشان دهنده اهمیت حیاتی این حیوان در معاش و گذران زندگی ایرانیان باستان بوده است. براین اساس، می‌توان گفت برخی پدیده‌های هنری، از شرایط اجتماعی نحوه زندگی و معاش مردم دوران باستان خود متأثر بوده و نشان‌گر اهمیت بعضی موجودات و موضوعات در طبیعت اطراف اقوام سازنده آن می‌باشد (افضل طوسی، ۱۳۹۱: ۵۶-۵۷). پژوهش حاضر نیز، با هدف بررسی تطبیقی نقش مایه بزکوهی بر روی سنگ نگاره‌های سربیشه در شرق ایران و اورامان در غرب ایران در پی دستیابی به نمادشناسی این نگاره است. دلیل انتخاب این دو محوطه به جهت اهمیت بالای نقوش و نگاره‌های این دو محوطه و شباهت نزدیک نگاره بزکوهی از منظر موضوعات نگاره، اشاره به بومی بودن نقش، تأثیر اقلیم و اعتقادات دو محوطه بر ترسیم نگاره بزکوهی است.

۱. نقوش و نگاره‌های ایجاد شده بر صخره‌ها و سنگ‌ها را در یک تقسیم‌بندی کلی به سه دسته اصلی می‌توان تقسیم کرد: ۱. پتروگلیف یا کنده‌نگاره، به معنی ایجاد تغییر در سنگ شامل بریدن، کنده‌گری، حک و نقر، شکاف دادن‌ها، سایش‌ها و ساییدن، خراشیدن یا خرد کردن نمادین سنگ، تراشیدن و سوزنی‌ها، سیاه و غیره. ۲. پیکتوگراف یا رنگین‌نگاره، به معنی افزودن هر نوع رنگ یا ماده به سنگ شامل طراحی و نقاشی با رنگ، ذغال، دوده و غیره است و شامل نقاشی، طراحی، اندود رنگ، استنسیل یا گرده برداری، چاپ و نگاره‌های موم‌اندود است. ۳. ژئوگلیف، شامل برجستگی‌ها و پدیده‌های طبیعی زمین که به نحوی به دست انسان تغییر یافته و مورد استفاده برداشت‌های ذهنی او قرار گرفته است، اعم از هنر یا آیین و یا قوانین و آداب اجتماعی و گروهی (کریمی، ۱۳۸۶: ۲۱).

اهداف اصلی تحقیق:

۱. بررسی نقش مایه بزکوهی (از حیث ریخت شناسی نگاره، روش نقوش، ارتباط نقوش با مسیر کاروانیان)، بر سنگ نگاره های شرق و غرب ایران.
۲. دستیابی به نمادشناسی نگاره بزکوهی در دو حوزه فرهنگی ایران.

بیان مسأله

در میان اقوام متمدن، سرزمین ایران و هنر این مرز و بوم، ویژگی های خاص خود را داشته و از مفهومی نمادین، عمیق و تزیینی برخوردار بوده است که نشانه فرهنگ و عقاید ایرانیان باستان است. در این میان، نقوش جانوران قابل بررسی است که زندگی مرموز و ویژه خود را داشتند. مردم ایران باستان غالباً از شکار حیوانات شادخدار مانند غزال، بزکوهی، گوسفند و گاو امرار معاش می کردند. قبلاً بز را اهلی کرده بودند و آن را بیشتر به مصرف قربانی می رساندند و از گوشت و پوست آن نیز استفاده می کردند. ظاهراً نخستین نمونه اهلی کردن حیوان خوراکی، بز می باشد (عرب، ۱۳۸۵: ۴۶). همین حاکی از تقدس و جایگاه این چهارپا در میان اقوام ایران باستان است. نقش بز یکی از کهن ترین و رایج ترین نقوش مورد استفاده جوامع پیش از تاریخ و دوران تاریخ باستان بوده است که سابقه آن به دوران غارنشینی می رسد. نقش بز چه به صورت ساه و چه به صورت بالدار، در هنر برنزکاری لرستان مورد استفاده بوده و در دوره هخامنشی به بالاترین شکوه خود از نظر شکل های مختلف می رسد (ریاضی، ۱۳۸۲: ۶۳). لذا با توجه به شرایط خاص جغرافیایی فلات ایران و شیوه زندگی مردم این منطقه، این نگاره از دیرباز مورد توجه هنرمندان و صنعتگران بوده و به عنوان موجودی به لحاظ ویژگی های مختلف، نماد نیرو، زندگی، خالق انرژی، نگهبان درخت زندگی و غیره بوده است. بنابراین، نگارندگان در این پژوهش، به دلیل اهمیتی که این حیوان در گذشته داشته به بررسی نگاره بزکوهی در دو محوطه شرق و غرب ایران برای دستیابی به نمادشناسی این نقش در آثار هنری ایران باستان پرداخته اند.

پیشینه تحقیق

مطالعاتی که تاکنون درباره نقش مایه بزکوهی بر سنگ نگاره‌های ایران انجام شده بیشتر از دیدگاه بررسی و معرفی نگاره این حیوان، در محوطه مورد مطالعه است و از منظر ریخت‌شناسی، نمادشناسی نگاره و مقایسه تطبیقی به ندرت در دو حوزه متفاوت به این نگاره توجه شده است.

پژوهش‌های صورت گرفته در سربیشه برای اولین بار در تابستان ۱۳۹۲، تحت عنوان پروژه پژوهشی باستان‌شناسی - انسان‌شناسی سنگ نگاره‌های خراسان جنوبی، توسط حمیدرضا قربانی انجام گرفت که گزارش مقدماتی آن در آرشیو سازمان میراث فرهنگی خراسان جنوبی موجود است. در این گزارش بیشتر به بررسی نقوش و معرفی نگاره‌ها پرداخته شده است.

پژوهش‌های صورت گرفته در غرب ایران در خصوص نقوش صخره‌ای اورامان، برای نخستین بار توسط جمال لحافیان (۱۳۷۹-۱۳۸۰) مورد بررسی قرار گرفت. در سال ۱۳۸۳ مارسل اوت^۱ از دانشگاه لیژ بلژیک، فریدون بیگلری از بخش پژوهش‌های پارینه‌سنگی موزه ملی ایران و اقبال عزیزی کارشناس باستان‌شناسی میراث فرهنگی کردستان از نقوش بردمیر و مرتاش که در نزدیکی روستای درکی ناحیه اورامانات قرار دارد، دیدن کردند (طاهر قسیم ۱۳۸۶: ۷۱) گزارش بررسی نقوش صخره‌ای در منطقه اورامان را در سال ۱۳۸۶ در نشریه پژوهش‌های باستان‌شناسی منتشر کرد. وی در گزارش خود، بیشتر به معرفی نگاره‌های موجود در این منطقه پرداخته است. برای این اساس، برای دستیابی به اطلاعات منسجم‌تر، نیازمند پژوهش‌های بیشتری در این زمینه هستیم. لذا در این پژوهش، ابتدا نقوش براساس موضوعات مختلف نگاره، مورد بررسی قرار گرفته، سپس به نمادشناسی نگاره پرداخته شده است.

روش تحقیق

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی و روش جمع آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی است. روش میدانی، به صورت پژوهش‌های باستان‌شناسی (نمادشناسی و انسان‌شناسی نگاره‌های نقر شده) انجام شده است. در فعالیت‌های میدانی منطقه که در شرق ایران (سربیشه) صورت گرفته است سنگ نگاره‌های بیژانم، تنگل اُستاد، دامداه، ماخونیک، رامنگان ۱ و رامنگان ۲ مورد بررسی قرار گرفت. در روش مطالعات کتابخانه‌ای، نقوش غرب ایران مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت و در نهایت نقوش هر دو محوطه، برای دستیابی به نمادشناسی نگاره بزکوهی بر اساس موضوعات مختلف، این نقش مایه مورد تحلیل واقع شده است.

یافته های پژوهش

در منطقه جغرافیایی این پژوهش، یعنی سربیشه و اورامان، مجموعاً ۱۴ محوطه مورد بررسی قرار گرفت. در این ۱۴ محوطه، صدها نقش و نگاره اعم از نقوش انسانی، حیوانی (شیر، بز، اسب، شتر و غیره)، نمادین (صلیب شکسته، دایره، نعل اسب و غیره)، ابزارآلات (چوب، تفنگ، تیر و کمان و غیره)، گیاهی، اجرام و کتیبه‌هایی بر روی سنگ‌ها و صخره‌ها نقر شده‌اند. اما محوطه‌هایی که دارای نگاره بزکوهی هستند در سربیشه؛ می‌توان به سنگ نگاره بیژانم، سنگ نگاره تنگل اُستاد، سنگ نگاره ماخونیک، سنگ نگاره رامنگان ۱ و رامنگان ۲ و در اورامان می‌توان به دو مجموعه نقش در اورامان تخت، سورن، پناهگاه صخره‌ای بردمیر، نقوش صخره‌ای بن قلا، پناهگاه مرتاش، نقوش صخره‌ای مرنخش و نقوش صخره‌ای رنگاورژپله اشاره کرد.

حوزه ی مورد مطالعه

شرق ایران (سربیشه)

شهرستان سربیشه به مرکزیت شهر سربیشه یکی از شهرستان های استان خراسان جنوبی است این شهر در شرق این استان واقع شده است. که در مختصات $۱۳^{\circ} ۵۹'$ تا $۱۳^{\circ} ۶۰'$ طول جغرافیایی و $۰۳' ۳۲''$ تا $۵۶' ۳۲''$ عرض جغرافیایی واقع شده است (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، مدیریت اطلاعات جغرافیایی، ۱۳۸۸: ۳). سربیشه در دشتی به ارتفاع ۱۸۲۰ متر از سطح دریا واقع گردیده و به دلیل سردی هوای منطقه به آن "سربیشه" می گفته اند که بعدها به سربیشه مشهور شده است (هاشمی زاده، ۱۳۸۵: ۱۵-۱۷). در شهرستان سربیشه ناهمواری های متعددی وجود دارد ولی کوه های این شهرستان از ارتفاع چندانی برخوردار نیستند، اما از نظر تعداد و گسترش، چهره ناهمواری به شهرستان می دهند به طوری که ارتفاعات شمال غربی شهرستان با جهت شمال غرب به جنوب شرق با ارتفاعی در حدود ۲۶۰۰ متر، محدوده شهرستان سربیشه را با شهرستان درمیان مشخص می کند که بلندترین نقطه شهرستان، کوه بندر با ارتفاع ۲۷۸۲ متر در این محل واقع شده است. ارتفاعات غربی شهرستان سربیشه به موازات کوه های شمال غرب با ارتفاع ۲۵۰۰ متر، محدوده شهرستان را با شهرستان بیرجند مشخص می کند که توسط دشت سربیشه از یکدیگر مجزا شده اند. مجموعه های فوق الذکر از نظر توپوگرافی در قسمت بالادست دره ای رودخانه بیرجند قرار گرفته اند. این رودخانه با جهت شرقی- غربی جریان دارد، فصلی بوده و شاخه ای از رودخانه شور را شامل می شود. وجود رشته کوه های کم ارتفاع سنجان در جنوب غرب دهستان مود، حوضه آبریز رودخانه علی آباد در منطقه سربیشه را از حوضه آبریز رودخانه بیرجند مجزا می کند. در سمت شرق شهرستان ارتفاع کوه ها کمتر شده تا این که با دامنه هایی با شیب ملایم به دشت ناز با ارتفاع ۱۳۰۰ متر می رسد. رشته کوه های شرقی شهرستان با جهت شمال شرق- جنوب شرق با ارتفاعی در حدود ۲۰۰۰ متر، نواحی دهستان دُرُح را دربرمی گیرد که دامنه های شرقی این ارتفاعات با شیب ملایم به کشور افغانستان منتهی می گردد. از ویژگی های دره های شهرستان، گستردگی و عرض زیاد آن ها است

که فاقد فرورفتگی‌های عمیق می‌باشند (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، مدیریت اطلاعات جغرافیایی، ۱۳۸۸: ج ۳، ۴۹).

به نقل از آیتی بیرجندی در کتاب بهارستان، سریشه شهری است قدیمی که قبل از اسلام، مردم آن زرتشتی بوده‌اند و در کتاب نزهة القلوب اثر حمدالله مستوفی نیز از آن یاد شده است. در کتاب معجم البلدان از سریشه و مؤمن آباد و نهارجان اسم برده شده و بنا به اطلاع کسب شده از معتمدین و بزرگان محل، حدود ۱۵ قرن بر این شهر می‌گذرد. سریشه در گذشته به مؤمن آباد مشهور بوده و مردم آن مؤمن، معتقد و پای بند به اعتقادات مذهبی و آداب و رسوم دینی بوده و هستند و هم‌اینک نیز یکی از دهستان‌های آن، مؤمن آباد می‌باشد (هاشمی زاده، ۱۳۸۵: ۱۷). شهرستان سریشه در نواحی کوهستانی، آب و هوای نیمه خشک و در دشت‌ها و زمین‌های هموار، آب و هوای خشکی دارد. این شهرستان از نظر آب و هوایی جزء ناحیه کوهپایه‌ای داخلی ایران محسوب می‌شود که کوهپایه‌های داخلی سلسله جبال البرز و زاگرس در اطراف چاله‌های مرکزی، ناحیه کوهپایه‌ای داخلی را تشکیل می‌دهند (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، مدیریت اطلاعات جغرافیایی، ۱۳۸۸: ۶-۷). در طی بررسی‌های باستان‌شناختی در شهرستان سریشه، شش منطقه مورد بررسی قرار گرفت که شامل سنگ نگاره‌های بیژانم (تصویر ۱)، تنگل‌آستاد (تصویر ۲)، دامدانه (تصویر ۳)، ماخونیک (تصویر ۴)، رامنگان ۱ (تصویر ۵) و رامنگان ۲ (تصویر ۶) است (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۰۸) (نقشه ۱). قابل ذکر است که در میان محوطه‌های بررسی شده ی سریشه، در محوطه ی دامدانه هیچ نگاره‌ای حیوانی یافت نشد و نقوش نقر شده دربرگیرنده ی نقوش نمادین و کتیبه‌هایی مربوط به دوران اسلامی را شامل می‌شود.



نقشه ۱) پراکنش نقوش صخره ای در سربیشه (قربانی، ۱۳۹۲: ۲۶۱)



تصویر ۱) نمایی از صخره محوطه بیژانم تصویر ۲) نمایی از صخره محوطه تنگل اُستاد

(قربانی، ۱۳۹۲: ۱۰۹) (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۱۲)



تصویر ۴) نمایی از صخره محوطه ماخونیک

(قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۲)



تصویر ۳) نمایی از صخره محوطه دامدانه

(قربانی، ۱۳۹۲: ۱۱۸)



تصویر ۶) نمایی از صخره محوطه رامنگان ۲

(قربانی، ۱۳۹۲: ۱۳۰)



تصویر ۵) نمایی از صخره محوطه رامنگان ۱

(قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۳)

غرب ایران (اورامان)

منطقه ی اورامان در جنوب غربی استان کردستان و در جنوب مریوان واقع شده است. کوهستان های سنگی مرتفع با دره های عمیق و تنگ، مشخصه ی ناهمواری های این منطقه است. در این منطقه اختلاف بین قله ی کوه و قعر دره بسیار زیاد است. کوه اورامان تخت با ارتفاع ۲۷۰۰ متر و رودخانه ی سیروان با ارتفاع ۹۰۰ متر بیشترین و کمترین ارتفاع را از سطح دریا دارند. منطقه از لحاظ مطالعات باستان شناسی و

مردم‌نگاری، با اهمیت است. از دلایل این امر می‌توان به شیوه‌ی زندگی مردمان این ناحیه اشاره نمود که به روش کوچ عمودی و نیمه کوچ‌روی انجام می‌شود. ارتفاع زیاد از سطح دریا، پایین بودن دمای سالانه و پراکندگی مراتع از جمله عواملی است که موجب غلبه‌ی شیوه‌ی زندگی نیمه کوچ‌روی در منطقه شده است. این شیوه‌ی زندگی در زاگرس به ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد و پس از تغییرات ناگهانی آب و هوا برمی‌گردد که باعث افزایش رطوبت در این منطقه شده است. قراین تاریخی و علمی نشان می‌دهد که در منطقه‌ی جنوب کردستان، از پایان دوره‌ی پلیستوسن^۱ اکنون در برخی نقاط از جمله اطراف مریوان، هوا مرطوب تر شده است. منطقه‌ی مورد بررسی تا ۱۴۸۰۰ سال پیش علفزار بوده است که به تدریج با افزایش رطوبت محیط، تبدیل به بیشه‌هایی از درختچه‌ها و درختان کوچک و در حدود ۵۵۰۰ سال پیش به جنگل‌های بلوط غرب، بلوط زاگرس و بلوط ایرانی تبدیل شده است (طباطبایی و قصریانی، ۱۳۷۱: ۱۴۷-۱۴۸). بررسی و مطالعات انجام شده در منطقه‌ی اورامان منجر به هشت منطقه از مجموعه‌های نقوش صخره‌ای در منطقه گردید. مناطق مورد بررسی در منطقه‌ی اورامان شامل محوطه‌های اورامان تخت (دو محوطه)، سورن، پناهگاه صخره‌ای بردمیر، نقوش صخره‌ای بن قلا، پناهگاه مرتاش، نقوش صخره‌ای مرخش و نقوش صخره‌ای رنگاورژیله است (قسیمی، ۱۳۸۶: ۷۱) (نقشه ۲).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نقشه ۲) پراکنش نقوش صخره ای در اورامان (قسیمی، ۱۳۸۶: ۷۳-۷۴)

موضوعات نگاره های حاصل از پژوهش

در میان نگاره های کشف شده بر روی سنگ ها و صخره ها، نقش بزکوهی به صورت تکی و همراه با دیگر نگاره ها نقر شده است. آثار یاد شده مجموعاً در موضوعات زیر دسته بندی شده اند:

- ۱) نقش بزهای کوهی در چرا؛ ۲) نقش بزکوهی همراه با نقوش انسانی در شکارگاه؛
- ۳) نقش بز همراه با نقوش نمادین و ۴) نقش بزهای کوهی همراه با حیوانات و نقوشی نامعلوم. در ادامه پژوهش، به بررسی نقوش پرداخته شده است (جدول ۱).

جدول ۱) بررسی نقوش از منظر موضوعات نگاره بز کوهی

موضوعات نگاره ها		شرق ایران	غرب ایران
۱. نقش بزهای کوهی در چرا		P	P
۲. نقش بزکوهی همراه با نقوش انسانی در شکارگاه		P	P
۳. نقش بز همراه با نقوش نمادین		P	P
۴. نقش بزهای کوهی همراه با حیوانات و نقوشی نامعلوم		P	P

۱- نقش بزهای کوهی در چراگاه

در نگاره‌های جانوری این دو حوزه، تنوع چشمگیری در سبک کار و موضوعات نگاره وجود دارد. یکی از این موضوعات نقش بزهای کوهی در چراگاه است (تصاویر ۷، ۸ و ۹). نقش بزهای کوهی در چراگاه در هشت محوطه کشف شده است. هنرمند برای ایجاد هر طرح، قاعده معینی را در نظر گرفته و به دلخواه و میل باطنی خود آن را نقش نموده است. نقش‌ها به صورت گروهی به نمایش درآمده‌اند که شاید نشانه‌ای برای نشان دادن گله و رمه‌ای در چراگاه باشد. نقش بزها در اکثر محوطه‌ها بسیار ساده و به دور از هرگونه تزیینی نقر شده‌اند. بر پشت بعضی از نقوش حیوانی (بز)، زائده‌ای نقر شده است. در برخی از نقوش می‌توان دید که به دلیل گذشت زمان و آسیب دیدگی سنگ، نقوش نیز آسیب دیده است (جدول ۲). در خصوص روش نقر، تمام نقوش به سبک پتروگلیف و کنده کاری نقر شده است.



تصویر ۷) نقش بزهای کوهی در چراگاه در سنگ نگاره بیژانم (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۱۰)



تصویر ۸) نقش بزهای کوهی در چراگاه در سنگ نگاره ماخونیک (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۲)



تصویر ۹) نقش بزهای کوهی در چراگاه در سنگ نگاره رامنگان ۱ (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۶)

جدول ۲) بررسی نقش بزهای کوهی در چراگاه در شرق و غرب ایران (نگارندگان، ۱۳۹۴)

بررسی نقش بزهای کوهی در چراگاه در شرق و غرب ایران					
					شرق ایران (سوزیانه)
رامنگان ۱ (مآخذ: فری، ۱۳۷۳: ۱۲۴-۱۲۷)	مخروبچه (مآخذ: فری، ۱۳۷۳: ۱۲۷)	ننگل آستاد (مآخذ: فری، ۱۳۷۳: ۱۲۷)	ننگل آستاد (مآخذ: فری، ۱۳۷۳: ۱۲۷)	بیزاق (مآخذ: فری، ۱۳۷۳: ۱۲۷)	
					غرب ایران (اورامان)
بردهور (Lahafian, 2004: 5).	زنگوله (مآخذ: فری، ۱۳۸۶: ۷۷)	اورامان لغت (مآخذ: قسیمی، ۱۳۸۶: ۷۵)			

۲- نقش بزکوهی همراه با نقوش انسانی در شکارگاه

یکی از موضوعاتی که مربوط به نگاره بزکوهی است نقش این حیوان، همراه با نقوش انسانی است که در شکارگاه و در حال نبرد است. این نقوش در اورامان در میان انبوهی از نگاره‌های انسانی، حیوانی، نمادین و غیره کشف شد. در محوطه بن قلا ۲ به تصویر کشیدن صحنه شکارگاه و محاصره شدن توسط شکارچیان در آبشخور یا گذرگاه است که تصویر سه بزکوهی است که در میان دو شکارگر به دام افتاده‌اند و شکارگران از دو طرف به بزهای کوهی حمله کرده‌اند (قسیمی، ۱۳۸۶: ۷۷). صحنه به دام افتادن نگاره بزکوهی در رامنگان ۱ توسط سوارکار نیز یادآور صحنه شکار و شکارگاه است (تصویر ۱۰). یکی دیگر از صحنه‌های شکار در محوطه مرتاش است که تصویر سه اسب سوار در حال حرکت دیده می‌شود و برخلاف حرکت اسب، اسب سواران روی خود را به عقب برگردانده‌اند، در حالی که تیر و کمانی را که در دست دارند، در حال تیراندازی هستند و در قسمت پایین صحنه نیز نقش بزهای کوهی را در صحنه شکارگاه نشانگر است. همان طور که می‌دانیم یکی از ویژگی‌های سواران اشکانی، مهارتی بود که در تیرانداختن داشتند، به طوری که حتی در حالت تاخت از روی زین به عقب برمی‌گشتند و به سوی

دشمن تیراندازی می کردند. با آن که این رسم قیقاج زدن، از قدیم میان سکاییان رایج بود چنان که از نقوش آنان بر روی سفال های یونانی برمی آید (شاپورشه‌بازی، ۱۳۷۶: ۳۵). این حالت تیراندازی بر روی اشیاء سیمین و زرینی از دوره های اشکانی و ساسانی به دست آمده، مشاهده شده است (قسیمی، ۱۳۸۶: ۸۰). در محوطه ی سورن (کوسالان) نقوش در دو دسته ی انسانی و حیوانی طبقه بندی شده است که موضوع این صحنه به تصویر کشیدن شکارگاه است (جدول ۳). در خصوص روش نقر، تمام نقوش به سبک پتروگلیف و کنده کاری نقر شده است.



تصویر ۱۰) نقش بزکوهی همراه با نقوش انسانی در شکارگاه در سنگ نگاره رامنگان ۱

(قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۵)

جدول ۳) بررسی نقش بزهای کوهی در چراگاه در شرق و غرب ایران (نگارندگان، ۱۳۹۴)

بررسی نقش بزکوهی همراه با نقوش انسانی در حال شکارگاه در سریش و اورامان			
			شرق ایران (سریش)
			غرب ایران (اورامان)

۳- نقش بز کوهی همراه با نقوش نمادین

از دیگر نقوش یافت شده نگاره بز کوهی، در ترکیب با نقوش نمادین است. این نقش در دو محوطه رامنگان ۲ و مرنخش به سبک پتروگلیف یافت شده است. در رامنگان ۲ نقش بز کوهی به سمت راست کشیده شده که شکلی هندسی داخل شاخ بز ترسیم شده است (تصویر ۱۱). بر روی بسیاری از ظروف سفالین دوران پیش از تاریخ هم چون سفال های مکشوفه از شوش (هزاره ی پنجم ق. م.)، تپه حصار، تپه سیلک، تل باکون و دیگر اماکن پیش از تاریخ در زیر انحنای شاخ های بزرگ و اغراق آمیز، نشانه ی چلیپا شکسته، چلیپا و یا نشانه دایره خورشید ارائه شده است (بختیاری شهری، ۱۳۸۸: ۲۹) (طرح ۱). از طرفی می دانیم که بز کوهی نزد برخی اقوام باستانی، مظهر یکی از عوامل سودرسان طبیعت، یعنی خورشید و به عنوان نمادی از آن معرفی شده است (همان: ۲۹). در محوطه مرنخش نقشی نمادین به صورت دایره نقر شده است و یک بز کوهی در وسط نقوش نمادین ترسیم شده است. این نقش نمادین شبیه به چرخ است. «چرخ در یونان باستان و شرق، نماد خورشید بود که از قرص خورشیدی پیشین تکامل یافته بود. پره های آن عبارت بود

از پرتوهای خورشید و گردش آن حاکی از مسیر خورشید در عرض آسمان بوده است» (هال، ۱۳۹۰: ۱۳۳). به این ترتیب، ارائه این دو نقش به تنهایی و یا به صورت ترکیبی از هردو، از ریشه های فرهنگی کهن و سابقه ای دیرینه برخوردار است (جدول ۴).



تصویر (۱۱) نقش بزکوهی همراه با نقوش نمادین در شکارگاه در سنگ نگاره رامنگان ۲ (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۳۰)

جدول ۴) بررسی نقش بزکوهی همراه با نقوش نمادین در شرق و غرب ایران (نگارندگان، ۱۳۹۴)

بررسی نقش بزکوهی همراه با نقوش نمادین در سریشه و اورامان	
<p>شکارگاه غلوه و شکارگاه فرنگی رتال جامع غلوه ساسانی رامنگان ۲ (مأخذ: قربانی، ۱۳۹۲: ۱۳۱)</p>	<p>شرق ایران (سریشه)</p>
<p>موتش (Lahafian, 2004: 5).</p>	<p>غرب ایران (اورامان)</p>



طرح ۱) نقوش حیوانی همراه با نقوش نمادین بر روی سفال‌های پیش از تاریخ ایران
(بختیاری شهری، ۱۳۸۸: ۳۴)

۴- نقش بزهای کوهی همراه با حیوانات و نقوشی نامعلوم

در میان نقوش، نقش بزهای کوهی همراه با نقوش حیوانی (اسب، پرنده و گراز) و حیواناتی نامعلوم و تعدادی نقوش نامشخص که به دلیل فرسایش سنگ، نقش نیز آسیب دیده، نقر شده است. این نقوش در دو محوطه‌ی تنگل اُستاد (تصویر ۱۲) و سورن (کوسالان) یافت شده است. این نقوش از نظر سبک پتروگلیف (کوبشی) و از نظر روش، اکثراً تک خطی هستند. در محوطه‌ی سورن (کوسالان) تصویر گرازی در حال حرکت دیده می‌شود که در میان آن، بزکوهی به سبک پتروگلیف (کوبشی) ترسیم شده است (جدول ۵).



تصویر ۱۲) نقش بزهای کوهی همراه با حیوانات و نقوشی نامعلوم در سنگ نگاره تنگل اُستاد

(قربانی، ۱۳۹۲: ۱۱۶)

پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۵) بررسی نقش بزهای کوهی همراه با حیوانات و نقوشی نامعلوم در سریشه و اورامان (نگارندگان، ۱۳۹۴)

بررسی نقش بزهای کوهی همراه با حیوانات و نقوشی نامعلوم در سریشه و اورامان		
 <p>تنگل آستاد (مأخذ: قربانی، ۱۳۹۲: ۱۱۷).</p>	 <p>تنگل آستاد (مأخذ: قربانی، ۱۳۹۲: ۱۱۷).</p>	<p>شرق ایران (سریشه)</p>
 <p>سورن (کوسالان) (مأخذ: قسیمی، ۱۳۸۶: ۷۵).</p>		<p>غرب ایران (اورامان)</p>

بحث و تحلیل

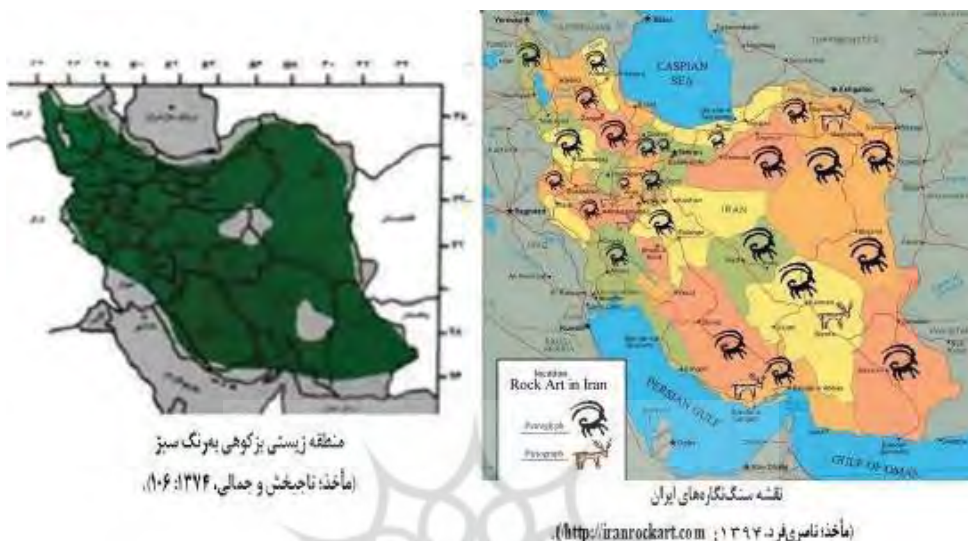
۱- نمادشناسی نگاره بز کوهی

بز، از نخستین جانورانی است که یازده هزار سال پیش در کوهپایه های زاگرس به دست انسان اهلی گردیده است (Zeder, 2008: 12). بز حیوانی است که تمام شرایط فوق را دارا بوده و احتمالاً از نخستین جانورانی است که در انقلاب نوسنگی به دست انسان اهلی گردید. بز می تواند در مناطق کوهستانی و تپه ماهورها به راحتی به سر ببرد

و مناطق نسبتاً خشک را نیز تحمل کند. پرورش این حیوان به منظور استفاده از گوشت آن، در سراسر ادوار فرهنگی پیش از تاریخ ایلام (دوره سبز، محمد جعفر) رواج داشته و بیشترین استخوان‌های به دست آمده، متعلق به بزهای جوان است که آن‌ها را در سنین پایین ذبح می‌کردند. نیایشگران ایلامی اغلب هنگام حضور در معابد، حیوانی مانند بز را به عنوان قربانی تقدیم خدا یا الهه می‌کردند. این حیوانات در معابد و زیگورات‌ها در مکان‌هایی که به این منظور ساخته شده بود، طی مراسمی سربریده می‌شد. هدف از پیش‌کش نمودن این قربانی‌ها، رفع بلا یا و رسیدن به حاجات پیش‌کش دهنده بود (مهرآفرین، ۱۳۷۵: ۱۵۳، ۱۷۳). طرح‌های ترسیم شده توسط ایرانیان به خصوص نقش حیوان ملی ایران - بز کوهی - روح سادگی و دقت را به همگان القا می‌کند. این طرح‌ها و نقوش در آسیا منحصر به فرد هستند. انسان اولیه در وحشت و اضطراب دائمی به سر می‌برد. او از نیروی شیطان می‌ترسید و محرکی می‌خواست تا از او در برابر این نیروی جادویی محافظت کند. به همین دلیل، متوسل شد به انواع طلسم، تعویذ، افسون و نیز ارواح محافظ و تا سر حد پرستش آن‌ها نیز پیش رفت. مطالعه در مصنوعات ما قبل تاریخی انسان، به ما کمک می‌کند تا به میزان علاقه او در نشان دادن و معرفی آن چه که به عنوان خدا می‌پرستیده، پی ببریم. به عنوان مثال، نقاشی خورشید و حیوانات مرتبط با آن مانند "عقاب، شیر، گاو، گوزن و بز کوهی" در آثار سفالی که به هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد برمی‌گردد، دیده می‌شود. مردم، به خصوص در قبایل "کاسی" لرستان، گردن‌بندهایی با آویز بز کوهی داشتند. این مردمان، به یک مدافع (محافظ) نیاز داشتند؛ چرا که از دیرباز معتقد بودند که طوفان، سیل، حیوانات وحشی و حتی انسان‌های دیگر، خانه‌ی او، احشام و محصولاتش را تهدید می‌کنند. لذا چون می‌خواستند در امان باشند، شروع کردند به پرستش الهه‌گان یا اشیاء و حیواناتی که در نظر آنان همانند خدایان بودند. گاهی اوقات فقط یکی از اعضای بدن حیوانات روی سفال‌ها حک می‌شد. مثلاً در سفال‌هایی که بین دوران ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ پیش از میلاد ساخته شده‌اند، طرح‌هایی از شاخ گاو، گوزن و بز کوهی و یا بال و چنگال پرنده‌گان، به همراه نقوش هندسی به چشم می‌خورد. هر یک از اقوام باستانی، بز کوهی را مظهر یکی

از، عناصر مفید طبیعت در نظر می‌گرفتند. مثلاً در لرستان، سمبل خورشید و گاهی اوقات هم نمادی از باران است؛ چرا که در آن زمان ماه را مرتبط با باران و خورشید را مربوط به گرما و خشکی می‌دانستند. هم‌چنین بین بز کوهی با آن شاخ‌های خمیده و منحنی و هلال ماه رابطه‌ای وجود داشت. به همین علت بود که اعتقاد داشتند شاخ‌های قوسی شکل بز کوهی می‌تواند باعث بارش باران شود. در شوش و عیلام باستان، بز کوهی سمبلی از کامیابی و نیز خدای زندگانی گیاهی بود. در بین‌النهرین، بز به عنوان مظهری از خوی حیوانی "خدای بزرگ" برشمرده می‌شد. انسان‌های ماقبل تاریخ، مهارتی خارق‌العاده در ساخت ظروف سفالی داشتند. آن‌ها بهترین نوع ظروف سفالی را با استفاده از چرخ سفالگری و دست می‌ساختند. در برخی از این کارهای هنری، جنبه‌های گوناگونی از زندگی خود را به نمایش گذارده‌اند؛ مانند مذهب، اخلاق و هنر. با مطالعه این مصنوعات است که ما به روابط بین تمدن‌های مختلف پی می‌بریم. انسان باستان، مهارتی شگفت در ترسیم و تجسم حیوانات شاخدار داشت. شاید تبدیل صورت خدایان به نقاشی‌های حیوانی، یکی از دلایل تقدس بود که موضوعی برای کارهای هنری باستانی و سفالگران شد. بیشتر آثار هنری ماقبل تاریخ، در ابتدا با طرح‌های تزئینی و هندسی همراه بودند. پس از مدتی نقاشی حیوانات مجدداً رایج شد و سپس اشکال هندسی بار دیگر گسترش یافت. این دگرگونی در بیشتر تمدن‌های ایرانی دیده می‌شود (بهمنی، ۱۳۸۳: ۹۳-۹۵).

این نقش با توجه به پراکندگی گسترده‌ی این حیوان در ایران در سنگ‌نگاره‌های مناطق کوهستانی ایران دیده شده است (نقشه ۳). نقوش حیوانی از دیرباز در هنر ایرانی اهمیت داشته و این نقوش گاه به سبب کاربردشان از جنبه کشاورزی و تغذیه، به عنوان نمادی از خدایان، سلطنت و یا عناصری از کائنات به شمار آمده‌اند. نقوش حیوانی بزهای کوهی در حالت‌های مختلف بر روی کنده‌نگاره‌های این دو محوطه نقر شده است.



نقشه ۳) پراکندگی بز کوهی در طبیعت و سنگ نگاره های ایران (نگارندگان: ۱۳۹۴)

با توجه به اسناد و مدارک موجود و بررسی های انجام شده می دانیم که نقش بز تقریباً در تمامی مراکز فرهنگی دوران پیش از تاریخ، حضور مستمر داشته است. در فرهنگ ایران باستان، علاوه بر آن که بز کوهی نمادی از بهرام ایزد پیروزی است، شاخ او نیز یادآور و نشانه ماه است، از این رو، در میان شاخ هایش نمادی از آب (باران) و یا زمین که اشاره به رستنی ها است دیده می شود (تصویر ۱، جدول ۶). بز کوهی از جمله حیواناتی است که تصویر آن در هنر ماد و هخامنشی و هم چنین هنر برنزهای لرستان به صورت های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است و به نظر می رسد در فرهنگ و هنر این دوره نیز جایگاه ویژه ای داشته است. در لرستان نقش این حیوانات بر روی "بت های" کوچک فلزی در حالات مختلف و به صورت بسیار زیبا به نمایش درآمده است. تعداد قابل توجهی مجسمه متعلق به این حیوان را در قبرهای مربوط به هزاره اول پیش از میلاد پیدا کرده اند که یکی از زیباترین و جذاب ترین آن ها، مجسمه ای است که از قبر زیویه به دست آمده است. این مجسمه، بز را در حالت نشسته نشان می دهد که به صورت بسیار زیبایی از طلا ساخته شده است. نمونه دیگری که جایگاه اسطوره ای این حیوان را بهتر مشخص می کند، مجسمه ای است برنزی که از لرستان به دست آمده است و به قرن هشتم پیش از میلاد تعلق دارد. این مجسمه ترکیبی است از یک رب النوع برهنه که

بر روی سرش یک بز کوهی فوق العاده زیبا قرار گرفته است. وضعیت قرار گرفتن مجسمه بز بر روی سر این رب النوع، بدون شک نمایان گر جایگاه اسطوره‌ای بسیار مهم این حیوان است و بالاخره باید به تعداد بی شمار مجسمه‌های بز کوهی که در سرتاسر هزاره اول پیش از میلاد از تقریباً سرتاسر ایران در حالات و اندازه‌های مختلف پیدا شده‌اند، اشاره کرد. بخش عظیمی از این مجسمه‌ها به صورت ریتون^۱ هستند که از جنس فلزات مختلف (طلا، نقره، برنز و ...) ساخته شده‌اند و به هزاره‌ی اول پیش از میلاد تعلق دارند. تعداد قابل توجهی از نمونه‌های اخیر بویژه از شمال غرب به دست آمده‌اند که به منطقه مورد مطالعه‌ی ما بسیار نزدیک است (رفیع‌فر، ۱۳۸۴: ۱۱۷-۱۲۲) (تصویر ۲ و ۳ و ۴ و ۵، جدول ۶).

در میان نگاره‌های هر دو حوزه مورد مطالعه پژوهش، یعنی (سربیشه و اورامان) شاخص‌هایی وجود دارد. از جمله این که، اصولی که بیش از هر چیز جلب توجه می‌کند، شاخ‌های بلند و کمانی است که همیشه به صورت جفت ترسیم شده‌اند و دارای زیبایی خاصی می‌باشند. نمایش نیم‌رخ در حیوانات و هم‌چنین دوری‌گزینی از ارائه تصاویر سه بعدی (پرداختن به ایجاد حجم) از دیگر اصولی است که در اغلب قریب به اتفاق این نقوش رعایت شده‌اند. نکته قابل توجه دیگر این که حالت و یا حالات نمادین در نقوش است که بدون شک، قراردادی بوده است. بز در اساطیر ایران باستان نیز یکی از نمادهای مشخص آبادانی و فراوانی است و نماد آب نیز بوده است که وجود آب خود منشأ فراوانی و آبادانی است. بز یکی از نمادهای ماه نیز می‌باشد و بر روی مهرها و ظروف دوره اشکانی، ساسانی و اسلامی به وفور دیده می‌شود و تقریباً همیشه به عنوان نگهبان درخت ماه در نظر گرفته شده است (همان: ۱۲۲) (تصویر ۶ و ۷ و ۸، جدول ۶). همان‌طور که ذکر شده براساس بررسی تطبیقی نقوش بزهای سربیشه و اورامان، هرکدام براساس موضوع نقش مایه مورد نظر، دارای نماد خاصی و بامعنایی زیادی است که در بالا به آن پرداخته شده است.

۱. نوعی از ظروف آشامیدنی که اغلب به شکل حیوان ساخته شده و روزه‌ای در انتها دارد. در میان باستان شناسان تعاریف فوق و کم و بیش پذیرفته شده هستند: آیدت پرادا در کتاب هنر ایران باستان در مورد ریتون می‌نویسد: کلمه یونانی ریتون از مایع روان گرفته شده است، این کلمه در واقع تنها به ظروفی گفته می‌شود که از آن جریان باریک یک مایع بیرون می‌آید (دادور و مصباح اردکانی، ۱۳۸۹: ۷). گیرشمن می‌نویسد: ریتون‌های واقعی آن‌هایی هستند که علاوه بر دهانه طرف سوراخی برای خروج مایع در آنان وجود دارد که در پوزه یاسینه حیوان قرار داده شده است (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۲۱۹-۲۳۰).

جدول ۶) نقش بزکوهی بر روی داده های فرهنگی ایران باستان (نگارندگان، ۱۳۹۴)

توالی نگاره بزکوهی بر روی دامه های فرهنگی ایران		
(مأخذ: افضل طوسی، ۱۳۹۱: ۵۸).	تصویر ۱. الف، نقش مایه بزکوهی خلاصه شده همراه با نماد آب، یافته شده در تپه حصار، ۴۵۰۰ سال ق. م، تصویر ب. بز با مله در میان شاخهایش در شوش	
(Vandenberg, 1969).	تصویر ۲. نقوش سفالینه های ایران، هزاره چهارم ق. م	
(مأخذ: جانبازی، ۱۳۹۳: ۵۳).	تصویر ۳. نقش بزکوهی و قوچ بر روی جامه موزه جیرفت	
(مأخذ: ونگله کلکسیون جورج اورتیز، ۱۳۹۰: شماره ۵۵۶۴).	تصویر ۴. کوزه نقره ای دوره هخامنشی	
(مأخذ: میرشمن، ۱۳۷۱: ۳-۱).	تصویر ۵. دسته ظرفی از مرقع های لرستان	
(مأخذ: افضل طوسی، ۱۳۹۱: ۵۸).	تصویر ۶ بزکوهی رینون اشکانی	
(مأخذ: طاووسی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۳).	تصویر ۷. پیکرک بز کوهی طلا از دوره ساسانی	
(مرتضایی و صدائقی زاده، ۱۳۹۱: ۵۳).	تصویر ۸. سفالی زرین قام، مخرمان، قرن ۳ و ۴ ه. ق. موزه ملی ایران	

۲- ریخت شناسی نگاره بزکوهی

- (۱) پاهای بزکوهی: در تمامی محوطه‌ها دو پای بزکوهی و چهار پای حیوان بر روی صخره‌ها نقر شده است. تنها دو نگاره در دو محوطه بیژنم و رنگاورژیله، بز با دو پا ترسیم شده است. اما در کل برای نشان دادن سم‌های شکافته سم بز- و حالت فیزیکی پا، تلاش بسیار کمی صورت گرفته است.
- (۲) بدن بزکوهی: در نقوش بزهای کوهی در حال چرا، به ندرت دارای ابعاد بدنی مستطیل شکل بودند. بیشتر نقوش به صورت یک خط و قوس، یکباره شکم و در انتها، پاها ترسیم شده است.
- (۳) ریش بزهای کوهی: نقش بزهای کوهی در هر دو حوزه فاقد ریش ترسیم شده است.
- (۴) سر بزهای کوهی: سرهای بزکوهی در هر دو حوزه معمولاً بسیار ساده و با بینی‌های دراز ترسیم شده است. نقش تمام بزهای کوهی به صورت نیم رخ ترسیم شده است.
- (۵) شاخ‌های بزکوهی: شاخ‌ها نیز به صورت‌های مختلفی نشان داده شده است: ۱. شاخ‌هایی که بخش فوقانی آن‌ها، ناهموار و موج و تا انتهای دم‌شان به صورت کمائی است، بسیار معمول و رایج هستند. ۲. شاخ‌هایی که بخش فوقانی آن‌ها، دندانه دار و یا دارای برجستگی و برآمدگی است که به ندرت ترسیم شده است. ۳. شاخ‌هایی که از پایه (محل رویش سر) از هم جدا یا به هم مربوط و متصل شده‌اند. ۵. شاخ‌هایی که به صورت ساده و کوتاه ترسیم شده است.
- (۶) دم بزهای کوهی: در تمامی محوطه‌ها، دم بزهای کوهی رو به بالا و راست ترسیم شده است. تنها نگاره‌ای که متعلق به بزکوهی است و دم‌ش به پایین نقر شده است، در محوطه رامنگان ۲ است.
- (۷) جهت بزهای کوهی: جهت نگاره‌ها به صورت تقریبی ۷۸ درصد به سمت راست ترسیم شده است.

۳- طرح نقوش

با بررسی تطبیقی نقوش انجام گرفته از منظر طرح و فناوری نتایج زیر حاصل شد: به لحاظ طرح و شیوه کار، هر دو حوزه منتخب ما از نوع پتروگلیف (کنده کاری) بوده و برای خلق آن‌ها از سطوح هموارتر صخره‌ها که موادشان متشکل از سنگ‌های سخت است، بهره جسته‌اند. در مورد سبک و شیوه ارائه نقوش، سبک به کار رفته در اکثر این آثار به صورت ساده بوده و در مورد نشانه‌شناسی آثار مورد مطالعه، بیشترین آن‌ها از نوع تصویرنگارها و اندیشه‌نگارها بودند. در این مجموعه‌ها به دلیل قدمت زیاد نقوش و نبود شرایط کافی برای حفاظت نقوش از گزند باد و باران و رطوبت، بر روی کلیه خطوط رسوبات نسبتاً ضخیمی تشکیل شده که کار شناسایی شیوه‌های به کار رفته در تولید آنها را مشکل کرده است، اما با توجه به آثار به جای مانده، احتمال این که از ابزارهای سنگی و فلزی برای ایجاد نقوش و حک کردن آثار استفاده شده باشد، بسیار محتمل است.

۴- ارتباط نقوش با کاروانیان و مسیرهای کوچ

ارتباط و پیوستگی قوی میان نقوش صخره‌ای با مسیرهای کوچ‌نشینان برقرار است. کوچک بودن نگاره‌ها، کنده شدن آنها بر روی هم و البته در فواصل زمانی بسیار زیاد، وسایل به کار گرفته شده ساده، استفاده از محل‌های به کار گرفته شده طبیعی و بویژه حک این نگاره‌ها در جایگاه‌های پراهمیت برای شکار و آب‌خورها و گذرگاه‌های شکار، همگی نشان می‌دهد که تصویرگر، قصد به رخ کشیدن مهارت نگارگری و البته مجال فراوان برای این کار نداشته و نقوش غالباً در مواقع خاص، به وسیله شکارگران و یا گروه‌های کوچ‌روی که ارتباط مستقیمی با شکار داشته‌اند، در مدت کوتاهی خلق شده است. برای شناسایی به وجود آورندگان سنگ نگاره‌های این استان، می‌توان به وجود نقوش متنوع از جمله صحنه شکار و هم‌چنین وجود تصاویر متعدد بز کوهی که به عنوان اهداف اصلی شکار می‌باشند، اشاره نمود. ذکر این نکته ضروری است که این منطقه در دوره‌های بعد و خصوصاً در دوران اسلامی، یکی از توقف‌گاه‌های موقت کاروانیان و

مسافران مسیر کرمان و جنوب ایران بوده که به سمت شرق و شمال خراسان رهسپار بوده‌اند و در این دوره نیز نقوشی توسط کاروانیان بر روی این سنگ نگاره‌ها ترسیم شده است. ارتباط و پیوستگی قوی میان نقوش اورامان با بیلاق‌های قدیمی فراموش شده و مسیرهای کوچ‌نشینان برقرار است (قسیمی، ۱۳۸۶: ۷۹). وجود نقش‌های اولیه و اجرای آنها بر روی یکدیگر و نیز وجود کتیبه‌های متأخر، حاکی از آن است که تصویرسازی بر روی این سنگ با ارزش از گذشته‌های دور تا سال‌ها بعد استمرار داشته است و هر یک زبان حال سازندگان آن است.

۵- تحلیل نفر نگاره بزکوهی در دو محوطه

بزکوهی تقریباً در تمام استان‌های ایران و مناطق کوهستانی پراکنده است. با دقت و بررسی در نگاره‌ها مشاهده می‌شود که نقش بز در این محوطه‌های ذکر شده، همانند سایر مناطق همجوار و خارج از ایران، بیشترین فراوانی را دارد؛ با این تفاوت که از منظر نمایش و موضوعات نقوش و نگاره‌های این دو محوطه، شباهت‌های بسیاری به هم دارند و می‌توان مطالعات و مطابقت نقوش با هم را به شرایط اقلیمی و زیست‌محیطی در زمان ایجاد نقوش نسبت داد و البته برخی محققین، به موضوع اسطوره‌ای و نمادین بزها در فرهنگ‌های مختلف توجه دارند. ولی گروه دوم، طرفداران بیشتری هستند و عمدتاً این افراد نقش این حیوان را یکی از قدیمی‌ترین نمادهای شناخته شده در تاریخ بشری دانسته و نقش بز را تا دوره نوسنگی به عقب می‌برند. در واقع، بز از حیواناتی است که قابلیت اهلی شدن دارد و مقاومت بدنی آن‌ها زیاد است تا در شرایط مصنوعی خاصی که انسان برای آن‌ها به وجود می‌آورد، دوام بیاورند. ثانیاً خاصیت خوگرفتن و مأنوس شدن آن‌ها به افراد و محل زندگی شان آن قدر زیاد می‌باشد که حتی اگر آزاد و بی‌قید و بند هم بمانند، آموخته‌اند جایگاه خود را ترک نکنند و مهم‌تر از همه این‌که، در حال اسارت و زندگی خانگی نیز قادر به تولید مثل باشند (لینتون، ۱۳۵۷: ۸۷). بزکوهی علاوه بر تغذیه از علوفه صخره‌ها و دشت‌ها، درخت‌ها و سرشاخه‌های آن‌ها را نیز می‌خورد، ترسیم نقش بزکوهی در مقابل برگ و درخت، مؤید این گفته است. با نگاهی به نقوش

موجود در دو محوطه، به طور کلی در طول زمان از نقش مایه های جانوری کاسته و در فرایند زمان بر نقش مایه های انسانی افزوده شده و سپس هر چه به زمان های تاریخی نزدیک تر شده، نگارگران از نقوش انسانی کاسته و کتیبه ها را جایگزین این نقوش کرده اند. لذا با مقایسه نقش مایه های بزکوهی از سنگ نگاره ها تا دوران معاصر، می توان به این نکات دست یافت؛ همان طور که در دوران باستان از پیش از تاریخ تا دوران تمدن باستان، نقش نمادین بز کوهی در اعتقادات کم رنگ می شود، طراحی آن نیز به طبیعت گرایی نزدیک شده و اغراق در شاخ ها که از ویژگی های ترسیمی در دوران پیش از تاریخ بود، کم می شود (افضل طوسی، ۱۳۹۱: ۶۵) (طرح ۲). لذا با تمام این تفاسیر می توان گفت دلیل نقر نگاره بز کوهی در هر دو محوطه دو دلیل مذهبی و غیر مذهبی دارد (جدول ۷). در هدف ایجاد نقوش و نگاره بزکوهی در دو محوطه می توان گفت که استفاده از این هنر برای رفع شر و به خاطر تسهیل شکار و یا تکثیر جانوران اعتبار یافته است و دیگر نیازهای نقر این نقوش شامل نیاز به زیبایی، بیان خواسته های اعتقادی، ثبت وقایع و ارائه اطلاعات و اخبار بوده و این گونه تجلی می یابد.

جدول ۷) هدف از نقر نگاره بز کوهی در دو محوطه شرق و غرب ایران (نگارندگان، ۱۳۹۴)

اهداف	اهداف نقر نگاره
۱. مذهبی	بز کوهی نماد باران است و شاخ های برگشته ی آن، نماد و نشانه ی ماه هستند که هلال آن را نشان می دهد. با توجه به شاخ های این حیوانات، تمامی آن ها تر هستند و بز ماده نقش نشده است و این امر، نشان دهنده ی این موضوع است که مردم می خواسته اند که نرینگی این حیوان را نشان دهند که عامل و باعث باروری است و همین طور قدرت این حیوان که گاه به عنوان سنبل محافظ و نگهدارنده است که مورد احترام و حتی پرستش بوده است. به همین دلایل بود که این حیوان کم کم دارای اهمیت می شود و حتی به مرتبه ی خدایی می رسد و آن را به عنوان یک حیوان مقدس مورد پرستش قرار می دادند و این امر، باعث شد که تصویر این حیوان را بر روی سفال ها و مکان های مختلف نقش کنند و این مهم در سنگ نگاره های دو محوطه شرق و غرب ایران قابل مشاهده است.
۲. غیر مذهبی	مردمان باستان به دلیل فراوانی نقوش بز و طبق شرایط اقلیمی و زیست محیطی به نقر نگاره پرداخته اند. چون این حیوان به عنوان یکی از مواد غذایی گوشتی، مورد استفاده بوده و از پوست و چرم آن استفاده می شده و آدمیان بهره مند می شده اند، برای آن اهمیت این چینی قائل بودند و نقش آن را بر روی سفال به عنوان یک حیوان به دلایل زیبایی شناختی، تغذیه، پوشاک و ... که مورد استفاده بوده، نقش می کرده اند.

بررسی تطبیقی نگاره های دو محوطه ی مورد بررسی

در تطبیق تصویری نگاره بز کوهی در منطقه ی متفاوت، تفاوت ظاهری آشکاری مشاهده نمی شود. نکته ی مهمی که در روش ترسیم و نقر این نگاره وجود دارد، این اغراق در ترسیم شاخ بز در دو حوزه دیده می شود. در سربیشه شاخ بزها هم به صورت ساده و در بعضی موارد تا انتهای بدن کشیده شده اند و در اورامان نیز شاخ بزها به صورت نیم رخ و به همان شیوه ذکر شده، نقر شده است. روش نقر نیز به صورت پتروگلیف است. در جنس سنگ های سربیشه از نوع سنگ های آذرین و سنگ های رسوبی و دگرگونی است. جنس سنگ های محوطه ی اورامان از نوع سنگ های رسوبی (آهکی و کلسیت) است. این حیوان در هر دو منطقه ی کوهستانی پراکنده شده است و حیوانی است که به راحتی از صخره ها بالا می رود. لذا این نگاره به عنوان حیوان ملی ایران در اعصار مختلف، بنا به اهمیت دارای مفاهیم مختلفی در قالب هایی چون نماد رهایی، آزادی، معصومیت، باروری، آب و رویش گیاه می باشد. هر دو محوطه ذکر شده اهداف نقر نگاره هم دارای اهداف مذهبی و هم غیر مذهبی بوده است (جدول ۸).

جدول ۸) بررسی نگاره بز کوهی در دو محوطه شرق و غرب ایران (نگارندگان، ۱۳۹۴)

بررسی نگاره بز کوهی در سربیشه و اورامان				
محوطه	طرح	درصد شباهت نگاره ها	نوع سنگ ها	اهداف
۱. سربیشه	پتروگلیف (کوبشی)	۹۱ درصد	سنگ های آذرین، رسوبی و دگرگونی	اهداف مذهبی و غیر مذهبی
۲. اورامان	پتروگلیف (کوبشی)	۹۱ درصد	سنگ های رسوبی	اهداف مذهبی و غیر مذهبی



طرح ۲) مقایسه تغییرات شکل طبیعی بز کوهی و اشکال آن در هنر از دوران آغاز تاریخ تا گلیم
 عشایر (افضل طوسی، ۱۳۹۱: ۶۴)

نتیجه گیری

ملاحظه دوران های مختلف تمدن ایران، با آشکار ساختن اهمیت تمدن های پیش از تاریخ این سرزمین، ما را در حیرت فرو می برد. کاوش گران در کاوش هایشان اشیای قابل توجهی پیدا کرده اند و از روی نمونه های سفالی و سنگی می توان برآوردهای اطمینان بخشی درباره تاریخ آثار و تمدن های مختلف به عمل آورد. با این تفاسیر با بررسی نقش مایه بز کوهی در دو محوطه شرق و غرب ایران، نتایج زیر حاصل شد:

قابلیت انطباق نقوش بزهای کوهی موجود بر سنگ نگاره‌های شرق و غرب ایران نشان از انسجام و پیوستگی هنر و فرهنگ غنی مردم این سرزمین است. بر اساس آن چه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که نقش مایه‌های بز کوهی بر روی سنگ نگاره‌های سربیشه و اورامان، ریشه در اعتقادات و باورهای زندگی مردمان پیشین دارد. نقوش براساس نوع موضوعات به چهار گروه تقسیم شده است که دربرگیرنده‌ی موضوعاتی هم‌چون: نقش بزهای کوهی در حال چرا، نقش بز کوهی همراه با نقوش انسانی در شکارگاه، نقش بز همراه با نقوش نمادین و نقش بزهای کوهی همراه با حیوانات و نقوشی نامعلوم است. نقوش تماماً به سبک پتروگلیف (کوبشی) نقر شده است. در خصوص ریخت‌شناسی نقوش، خصوصاً ریخت‌شناسی نقش بزهای نقر شده در دوماحوطه‌ی بررسی (سربیشه و اورامان)، می‌توان این چنین نتیجه گرفت: الف) نقش تمام بزها به صورت نیم‌رخ ولی در اکثر نقوش هر دو شاخ نقر شده است. هلن گاردنر^۱ می‌گوید: تصاویر گاو و گوسفند در غار لاسکو و دیگر غارها ... حکایت از وجود سنتی در نمایش شاخ‌های این جانوران دارد که پرسپکتیو^۲ پیچیده نامیده شده است، زیرا سرهای آن‌ها را به طور نیم‌رخ ولی شاخ‌هایشان را از زاویه‌ای کمی متفاوت - می‌بینیم. ب) تعدادی از بزها شاخ‌هایشان کوتاه و در برخی از محوطه‌ها تا انتهای دُم‌شان و به صورت کمّانی نقر شده است. ج) بر روی پشت و زیر شکم برخی از بزها، زائده‌ای کوچک نقر شده است که شاید نماد نر بودن این نقش است. د) دُم بزها اکثراً کوتاه و برخی از بزها، دُم‌شان به بالا و برخی دیگر از نقوش به پایین نقر شده است. دلیل تنوع، فراوانی و تداوم نقش بز کوهی در سربیشه و اورامان و حضورشان در سنگ نگاره‌ها، اهمیت نمادین آن در دوران کهن است که از آن نمادی برای طلب باران و فراوانی ساخته و هم‌چون طلسمی در میان نقوش از دیرباز پنهان و محفوظ مانده است. اشکال متنوع تداوم و تکرار این نقش در سنگ نگاره‌ها، سفالینه و هنر فلزکاری کهن و پایداری نقوش، نشان از اهمیت آن در اعتقادات، زندگی و معاش مردمان گذشته داشته است.

1. Helen Gardner
2. perspective

منابع

- افضل طوسی، عفت السادات (۱۳۹۱). "گلیم حافظ نگاره بز کوهی از دوران باستان". *فصلنامه علمی پژوهشی نگره*، سال هفتم، ش ۲۱ (بهار): ۵۴-۶۷.
- اورتیز، جورج (۱۳۹۰). "وبگاه کلکسیون جورج اورتیز، ایران باستان، تاریخ، کوزه نقره ای دوره ی هخامنشی". [پیوسته] قابل دسترسی در:
<http://mrvnd-۲.persianblog.ir/> [۱۳۹۴/۱۰/۲۲]
- بختیاری شهری، محمود (۱۳۸۸). "بررسی و مطالعه ی سنگ نگاره های نویافته دشت توس". *مطالعات باستان شناسی*، سال اول، ش ۱ (بهار و تابستان): ۲۱-۴۴.
- بهمنی، پردیس (۱۳۸۳). *سیر تحول و تطور نقش و نماد در هنرهای سنتی ایران*. گروه هنر دانشکده هنر و رساله، دانشگاه پیام نور: پارس بوک.
- تاجبخش، هدایت؛ جمالی، سیروس (۱۳۷۴). *نخجیران از آغاز تا امروز*. تهران: موزه ی آثار طبیعی و حیات وحش ایران.
- جانبازی، فاطمه (۱۳۹۳). "بررسی نقوش حیوانی در آثار تمدن جیرفت". *جلوه ی هنر*، دوره ۷، ش ۱ (بهار و تابستان): ۴۹-۶۲.
- دادور، ابوالقاسم؛ مصباح اردکانی، نصرت الملوک (۱۳۸۹). "بررسی شکل و فرم در ریتون های ایرانی (هزاره ی چهارم قبل از میلاد تا پایان دوره ساسانی". *نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی*، دوره ۲، ش ۴۱ (بهار): ۵-۱۲.
- رفیع فر، جلال الدین (۱۳۸۴). *سنگ نگاره های ارسباران*. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده مردم شناسی.
- ریاضی، محمدرضا (۱۳۸۲). *طرح ها و نقوش لباس ها و بافته های ساسانی*. تهران: گنجینه.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، مدیریت اطلاعات جغرافیایی (۱۳۸۸). *فرهنگ جغرافیایی آبادی های کشور، استان خراسان جنوبی، شهرستان سربیشه*. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- شاپور شهبازی، علیرضا (۱۳۷۶). "اسب و سوارکاری در ایران باستان". *مجله*

- باستان‌شناسی و تاریخ. سال یازدهم، ش ۲۱ و ۲۲ (بهار و تابستان): ۲۷-۴۲.
- طاووسی، محمود؛ خاکپور، مژگان؛ انصاری، مجتبی (۱۳۹۱). "ردپای نقش مایه‌های تزئیناتی معماری بومی روستایی گیلان در سرزمین آماردها". نامه‌ی معماری و شهرسازی (دو فصلنامه‌ی دانشگاه هنر)، دوره ۴، ش ۸ (بهار و تابستان): ۳۷-۵۷.
- طباطبایی، محمد؛ قصریانی، فرهنگ (۱۳۷۱). منابع طبیعی کردستان (جنگل‌ها و مراتع). کردستان: جهاد دانشگاهی کردستان.
- عرب، مهسا (۱۳۸۵). "بررسی نقش نگاره‌های چهارپایان در ایران باستان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد گرافیک، دانشکده هنر و معماری، پژوهش هنر، دانشگاه الزهرا.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۷). موزه‌هایی در باد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- قربانی، حمیدرضا (۱۳۹۲). گزارش بررسی و مطالعه باستان‌شناسی و انسان‌شناختی نقوش صخره‌ای (سنگ نگاره‌های استان خراسان جنوبی). بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی.
- قسیم‌ی، طاهر (۱۳۸۶). "گزارش بررسی نقوش صخره‌ای در منطقه اورامان". باستان‌پژوهی، سال دوم، ش ۳ (بهار و تابستان): ۷۱-۸۰.
- کریمی، فریبا (۱۳۸۶). "نگرشی نو به کنده‌نگاره‌های صخره‌ای ایران". باستان‌پژوهی، سال دوم، ش ۳ (بهار و تابستان): ۲۰-۳۴.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۱). هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی. ترجمه‌ی عیسی بهنام. تهران: علمی و فرهنگی.
- لحافیان، جمال (۱۳۷۹). "سنگ‌نگاره‌های پیش از تاریخ کردستان". فصلنامه فرهنگ کردستان، سال اول، ش ۳ و ۴: ۱۴-۱۹.
- لحافیان، جمال (۱۳۸۰). "اورامان پیش از تاریخ". فصلنامه فرهنگ کردستان، سال دوم، ش ۷ و ۸: ۵۹-۶۳.
- لیتون، رالف (۱۳۵۷). سیر تمدن. ترجمه‌ی پرویز مرزبان، تهران: دانش.
- مرتضایی، محمد؛ صداقتی‌زاده، ندا (۱۳۹۱). "بررسی نقوش جانوری سفالینه‌های

- کهن شهر گرگان (جرجان) در دوران اسلامی". نامه ی باستان شناسی، دوره دوم، ش ۲ (بهار و تابستان): ۴۷-۶۲.
- مهرآفرین، رضا (۱۳۷۵). "بررسی نشانه های تمدنی نقوش حیوانی بر روی مهرهای استوانه ای ایلام". پایان نامه کارشناسی ارشد باستان شناسی گرایش دوران تاریخی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ناصری فرد، محمد (۱۳۹۴). "سنگ نگاره های ایران". [پیوسته] قابل دسترسی در: <http://www.iranrockart.com>. [۱۳۹۴/۸/۱۲]
- هاشمی زاده، عبدالحسین (۱۳۸۵). سربیشه گوهر ناشناخته کویر. مشهد: نی نگار.
- هال، جیمز (۱۳۹۰). فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب. ترجمه ی رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.
- Lahafian, J. (2004). "Petroglyphs of Kurdistan Rock Art". *Rock Art Research*, Vol. 21, No. 1: 3- 10.
- Lahafian, J. (2013). "Rock Art in Kurdistan Iran". *Arts*, Vol. 2, No. 4: 328-349.
- Vandenberg, L. (1969). "*Archeologie de l, Iran Ancien*". Tehran: Tehran university.
- Zeder, M. A. (2008). "Domestication and early agriculture in the Mediterranean Basin: Origins, diffusion, and impact". *PNAS*, Vol. 105, No. 33: 11597- 11604.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی